

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

تیمور شاه تیموری

المان - 28 دسمبر 2011

سخنی چند در باره "طنز موزیکال"

از مدتهاست عادت کرده ام هر روز صبح بعد از استحمام و ریش تراشیدن قبل از آنکه به آشپزخانه بروم و پیاله چائی را باین معده نا آرام بریزانم، به سراغ کمپیوتر بروم و پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" را باز کنم. این پورتال که در آن دو مرتبه نام مبارک "افغانستان" ذکر میشود در قلب و مغز افغانها جای خود را عمیقانه باز میکند و چنین پنداشته میشود که هموطنان از افغانستان عزیز با ما در مکالمه و مصاحبه هستند. حالانکه اکثر نویسندگان آن در خارج از وطن تشریف دارند. امروز تاریخ بیست و هفت دسمبر پورتال را باز میکنم و به ستون مندرجات جدید نظر می اندازم مضامین اجتماعی و ادبی زیاد به نشر رسیده که عناوین هر کدام را از نظر میگذرانم. اولتر پرت و پلاهای که از خودم نشر شده باشد میخوانم و دقت میکنم که چه حروف و یا کلماتی از طرف جناب معروفی کم و یا زیاد شده و یا تغییر داده شده باشد، که البته با اجازه خودم میباشد. اکنون با این عمل جناب معروفی صاحب عادت کرده ام. او نیز عادت کرده است که در هر بیت و یا مصراع مداخله کند و اگر چیزی را حذف و یا اضافه نتوانست اقلا اسم و صفت را از جایش تغییر دهد و صفت را قبل از اسم بیاورد و به اصطلاح خودش موی را از خمیر جدا کند. چنانچه مصراع دوم بیت

یکی درویش از درویشان ایام
به محمود گفت کای سلطان خوشنام

را در منظومه "شب یلدا"ی اینجانب چنین تغییر دادند.

"به سلطان گفت کای محمود خوشنام"

من سکتگی و یا تعقیدی در سروده خود ندیدم اما ایشان به اجازه خودم فرمودند که هرگاه اول "سلطان" بیاید و بعد "محمود" مصراع سلیستر و روانتر میشود و من اذعان میکنم که ایشان در این موارد از من عالتر و مجربتر هستند.

بهر حال آنچه از خودم بود خواندم و به سراغ استاد اسیر، هاشم جان رائق، نعمت جان و دیگران رفتم همه عالی و روح انگیز بودند. در اخیر در قسمت بالائی ستون نظرم به این عنوان افتاد:

« طنز موزیکال - "دیپلوم انجنیر خلیل الله ناظم باختری" »

در فکر شدم محترم باختری که انجنیر نمیباشد. چون این عنوان و این مضمون وقت بیشتر به کار داشت، گذاشتم برای بعد از صرف چای صبح. من معمولاً چنین میکنم که مضامین طویل را بعد از چای میخوانم. وقتی به یاد طنز موزیکال و ضرب المثل "غریب را مخمل نمود نمیدهد" و یا "سیب بدست چولاق نمی زبید" افتادم دانستم که این نوشته از خود معرفی است. لازم دانستم یادآور شوم که این ضرب المثل و طنز که آخرش به سرودهای جاودانی و نغمات دلکش اصیل پشتو به آواز خوانندگان مشهور مخصوصاً فرزانه ناز که دختر کابل نازنین است، کشانیده شده، زنگ از دل تنگ منکند. خدا خیر دهد فاروق جان برادر کوچک معرفی صاحب را که لباس مخملی را نپوشید و سبب نشر این طنز موزیکال گردید و ما را از رنج و آلام ما جدا و به یک عالم ذوق و سرور وصل کرد. موسیقی به روحيات انسان تأثیر ارزنده دارد. موسیقی کلاسیک و استادانه که با اشعار عالی و ناب اداء شده اند به جای خود باشند، اما موسیقیهای محلی مثل خوانندهای فُلک بازگل بدخشی و همقطاراننش و یا خوانندهای سچّه پشتو به آواز قمرگل، نغمه، بیلتون و یا گلنار بیگم، شکیلا ناز و فرزانه ناز که امروز در طنز موزیکال شنیده شد، که با آواز گیرا از دهن و دندان زیبا و دلفریب بیرون می آید، ما را بعالم دیگر میبرد. چقدر غم بخوریم، غم بنوشیم و غم استفراق کنیم؟؟؟

از برکت سرودهای "طنز موزیکال" چند خواندن دیگر فرزانه ناز را نیز با یک عالم احساس شنیدم و حظ بردم و در امروز با روزهای دیگر تفاوت زیاد حس مینمایم. خدا خیر دهد معرفی صاحب را با این طنز موزیکالش. با احترام